

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منبر ♦ سال چهاردهم ♦ شماره ۵۴ ♦ تابستان ۱۴۰۳
صفحات: ۹۹-۱۱۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷



نقد رویکرد ابن تیمیه نسبت به فضایل روایی حضرت زهرا علیها السلام در «منهاج السنة»

عباس بابکی*

چکیده

علامه حلی براساس روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله سه فضیلت اختصاصی حضرت زهرا علیها السلام را در کتاب منهاج الکرامه بیان کرده است و این روایات مورد پذیرش عموم مسلمانان بوده است و عالمان حدیث‌شناس، در عصرهای مختلف، بر صحت آن اذعان کرده‌اند؛ اما این روایات در کتاب منهاج السنة مورد انکار و خدشه ابن تیمیه قرار گرفته است. ابن تیمیه در مهم‌ترین کتاب خود، سه حدیث نبوی که در شأن و فضیلت حضرت زهرا علیها السلام است را ارزیابی کرده است و تلاش کرده است به گونه‌ای آن‌ها را فاقد اعتبار نشان دهد؛ وی گاهی به سند این روایات ایراد گرفته است و آن‌ها را غیرصحیح و دروغ معرفی کرده است و گاهی مدلول روایات را برخلاف سایر علما تفسیر کرده است. اما ذکر این احادیث در منابع حدیثی و غیرحدیثی معتبر و برداشت‌های علمای فریقین از آن‌ها، خلاف و بطلان مطالب ابن تیمیه را آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: فضایل، حضرت زهرا علیها السلام، ابن تیمیه، منهاج السنة.

مقدمه

حضرت فاطمه علیها السلام نزد تمامی مسلمانان دارای جایگاهی رفیع است. در منقبت او احادیث فراوانی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است.^۱ نقل‌های فراوان تاریخی، از شیوه رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با دختر گرامی‌شان، تأییدکننده جلال و بلندی مقام آن بزرگوار است.^۲ از دیرباز نیز برخی محدثان، بابتی به‌عنوان فضایل ایشان گشوده‌اند و روایات زیادی را در این باره نگاشته‌اند.^۳ کتاب‌های فراوانی نیز مستقلاً به موضوع شخصیت و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام اختصاص یافته است که نویسندگان آن‌ها از یک فرقه و مذهب خاص نیستند.^۴ امادر قرن هشتم، ابن تیمیه به نقد روایات نبوی که علامه حلی در شأن حضرت فاطمه علیها السلام آورده بود، پرداخت و آن‌ها را دروغین و بدون مدرک دانست و حتی ایراداتی به رفتار و اعمال حضرت وارد کرد.

این سخنان واکنش‌هایی در پی داشت و کتاب‌ها و مقالاتی در پاسخ این ادعاها نوشته شد. در الغدیر، نوشته علامه امینی، دراسات فی منهج السنة، نوشته آیت‌الله میلانی و اخطاء ابن تیمیه، نوشته سید الصبیح، پاسخ‌هایی ارائه شده است که در ضمن مطالب دیگر اشاره‌ای به این سه روایت هم شده است، هجمه‌های ابن تیمیه به اهل بیت علیهم السلام به قدری گسترده است که مقالات زیادی هم در مقام پاسخ به این سخنان ارائه شده است، اما معمولاً روایات را در ضمن مطالب تاریخی بررسی کرده‌اند^۵ یا فقط برخی از روایات ارزیابی شده‌اند. نمایاندن فاصله بین عقاید ابن تیمیه با سایر مسلمانان از ضرورت‌های

۱. «عن عائشة رضي الله عنها قالت أقبِلْتُ فَاطِمَةَ تَمْشِي كَأَنَّ مَشِيَّتَهَا مَشْيُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...» (بخاری، محمد، صحیح، ج ۳، ص ۱۳۲۶، ح ۳۴۲۶: «... أن الحسن والحسين سیدا شباب أهل الجنة وإن فاطمة سيدة نساء أهل الجنة» (ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۷۸۸).
۲. «... لما دخل علی فاطمة جاء النبي أربعين صباحاً إلى بابها فيقول أنا حرب لمن حاربتهم وسلم لمن سالمتم» (ابن شاهین، عمر، جزء فضائل فاطمة، ج ۱، ص ۲۹).
۳. ر.ک: بخاری، محمد، صحیح، باب مناقب فاطمة (علیها السلام)، ج ۳، ص ۱۳۷۴؛ طبرانی، سلیمان، معجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۰۰؛ ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۷۵۴؛ نسایی، احمد، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۷۶).
۴. برخی از این کتاب‌ها عبارت‌اند از: مناوی، محمد، اتحاف السائل؛ ابن شاهین، عمر، جزء فضائل فاطمة.
۵. باغبان‌زاده، محمدرضا، «تحلیل رویکرد ابن تیمیه در تضعیف جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در منهج السنة»، مجله تحقیقات کلامی، ش ۳۵، ص ۹۷.

زمان است، لذا این مقاله سه حدیث نبوی درباره مناقب حضرت زهرا علیها السلام، که در کتاب منهاج السنة با تشکیک ابن تیمیه مواجه شده است را با توجه به منابع حدیثی و سخنان علمای اهل سنت ارزیابی خواهد کرد.

حدیث: «ان الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، که بنا بر فرموده قرآن کریم، سخنانش از روی هواهای نفسانی نیست، بلکه وحی آسمانی است،^۱ درباره غضب حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده است که «ان الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»^۲

مطابق این حدیث نبوی، خشم و غضب حضرت زهرا علیها السلام موجب خشم خداوند می شود و رضایت و خشنودی ایشان، رضایت پروردگار را در پی خواهد داشت.

مدعای ابن تیمیه

ابن تیمیه در ارزیابی این حدیث می گوید:

اما سخن او (علامه حلی) که گفته است: «همه نقل کرده اند که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "ای فاطمه، همانا خداوند به خاطر خشم تو خشمگین می شود و به خاطر رضایت تو، راضی می شود"»، دروغی از جانب اوست. آن ها این حدیث را از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل نکرده اند و این حدیث در هیچ کتاب حدیثی معروفی معرفی نشده است و سند معروفی به نبی اکرم صلی الله علیه و آله ندارد؛ نه سند صحیح و نه سند حسن.^۳

بررسی و نقد

مصنف منهاج السنة هم از حیث سند و هم از حیث دلالت، به روایت فوق، اشکال کرده است.

اشکال سندی

ابن تیمیه دو ایراد به سند حدیث مذکور وارد کرده است:

۱. سوره نجم، آیات ۳ و ۴.
۲. شبیانی، احمد بن عمرو، الاحاد والمثانی، ج ۵، ص ۴۶۳؛ ابویعلی، احمد، معجم، ج ۱، ص ۱۹۰؛ دولابی، محمد، الذریة الطاهرة، ج ۱، ص ۱۲۰؛ و...
۳. «وَأَمَّا قَوْلُهُ: وَرَوَاهُ جَمِيعًا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لَغَضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ؛ فَهَذَا كَذِبٌ مِنْهُ...» ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة، ج ۴، ص ۲۴۸.

الف) این حدیث در کتب معروف حدیثی یافت نشده است^۱

پاسخ

تبع در متون روایی اهل سنت، خلاف ادعای ایشان را ثابت می‌کند. بسیاری از بزرگان و حفاظ اهل سنت، این حدیث نبوی را نقل کرده‌اند. کتب معروفی که مزین به این حدیث نبوی هستند، عبارت‌اند از: الاحاد والمثنائی،^۲ معجم ابویعلی،^۳ المعجم الکبیر،^۴ مستدرک علی الصحیحین،^۵ فضائل خلفاء الراشدين،^۶ حلیة الاولیاء،^۷ معرفة الصحابة،^۸ تاریخ مدینة دمشق،^۹ اسد الغابة،^{۱۰} مجمع الزوائد،^{۱۱} الاصابة فی تمييز الصحابة،^{۱۲} الخصائص الکبری،^{۱۳} کنز العمال^{۱۴} و ...

ب) حدیث مذکور سند صحیح یا حسن ندارد

پاسخ

ابن تیمیه در حالی مدعی است که این حدیث سند صحیح و حسن ندارد که:
حاکم نیشابوری پس از ذکر این حدیث می‌گوید: «این حدیث صحیح است، درحالی که بخاری و مسلم آن را ذکر نکرده‌اند.»^{۱۵}

۱. همان.
۲. شیبانی، احمد بن عمرو، الاحاد والمثنائی، ج ۵، ص ۳۶۳.
۳. ابویعلی، احمد، معجم، ج ۱، ص ۱۹۰.
۴. طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۹۳؛ ج ۱، ص ۱۰۸.
۵. حاکم نیشابوری، محمد، مستدرک، ج ۳، ص ۱۶۷.
۶. ابونعیم اصفهانی، عبدالله، فضائل الخلفاء الراشدين، ج ۱، ص ۲۵۱.
۷. همو، حلیة الاولیاء، ج ۶، ص ۱۲۴.
۸. ابونعیم اصفهانی، عبدالله، معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۹۳.
۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی، تاریخ مدینة دمشق، ج ۳، ص ۱۵۶.
۱۰. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابة، ج ۷، ص ۲۴۲.
۱۱. هیشمی، علی بن ابوبکر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۳.
۱۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة، ج ۸، ص ۳۴۸.
۱۳. سیوطی، عبدالرحمن، الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۳۴۸.
۱۴. متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۲۹۰.
۱۵. «إن الله یغضب لغضبک ویرضی لرضاک. هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه» حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۷.

ابن حجر عسقلانی این حدیث را به نقل از کتاب مناقب فاطمه علیها السلام حاکم نیشابوری می‌آورد، و صحیح الإسناد بودن آن را در نزد حاکم بیان می‌کند و سخن او را رد نمی‌کند.^۱ ابو نعیم اصفهانی که ابن تیمیه او را از حافظان بزرگ حدیث می‌داند و شأن او را بالاتر از ثقه معرفی کرده است،^۲ با اشاره به این حدیث می‌آورد: «... خداوند با غضب ایشان غضب می‌کند و با رضایت ایشان راضی می‌شود و با ناراحتی ایشان، نبی اکرم ناراحت و با اذیت آن حضرت، اذیت می‌شود...»^۳ که نشان از مقبول بودن حدیث در نزد ایشان دارد. حافظ هیثمی نیز پس از نقل حدیث مذکور، سند آن را حسن دانسته است.^۴

دلالت حدیث نزد ابن تیمیه

ابن تیمیه دلالت حدیث نبوی فوق بر فضیلت حضرت زهرا علیها السلام را زیر سؤال برده است. او در این باره می‌گوید:

هرکسی که خدا و رسولش از او راضی باشند، دیگر غضب هیچ کدام از مخلوقین، ولو هرکه باشد، به او ضرری نمی‌زند، بلکه کسی که خدا از او راضی است و او هم از خدا راضی است، رضایتش موافق با رضایت خداست.^۵

نقد سخنان ابن تیمیه در دلالت حدیث

اولاً، همان‌طور که اشاره شد بزرگان اهل سنت در صدور این حدیث را توافق داشته‌اند و تلاش در بی‌اهمیت جلوه دادن و عدم پذیرش فضیلت مطرح‌شده صحیح نیست و

۱. «حَدِيثُ (حَاكِمٍ): قَالَ لِفَاطِمَةَ: «إِنَّ اللَّهَ يُغْضِبُ لِعِضْبِكَ، وَيَرْضَى لِرِضَاكَ». (حَاكِمٍ) فِي مَنَاقِبِ فَاطِمَةَ: ثنا أَبُو الْعَاسِمِ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْغَامِرِيُّ، وَأَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ حَارِمٍ، قَالَا: ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، ثنا حُسَيْنُ بْنُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، بِهَذَا، وَقَالَ: صَحِيحُ الْإِسْنَادِ. ابن حجر عسقلانی، احمد، إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، ج ۱۱، ص ۳۴۵، ح ۱۴۱۶۶.

۲. «هو أكبر حفاظ الحديث، ومن أكثرهم تصنيفاً، وممن انتفع الناس بتصنيفه، وهو أجل من أن يقال له: ثقه، فإن درجته فوق ذلك» (ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوى، ج ۱۷، ص ۱۸).

۳. «إذا كانت عضوا من أعضائه وكانت مخصوصة من بين أولاده بمحبته لها كانت أصغر بناته سنا بشرها النبي، أنها أول أهله لحوقاً به وكانت من خير نساء العالمين وسيدة نساء هذه الأمة ونساء أهل الجنة...» (ابن تیمیه، احمد، معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۳۱۸۷).

۴. «إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضائك رواه الطبراني وإسناده حسن». هيثمي، احمد، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۳.

۵. «... وَمَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَرَسُولُهُ لَا يَضُرُّهُ غَضَبُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ عَلَيْهِ كَائِنًا مَنْ كَانَ...» (ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة، ج ۴، ص ۲۴۹).

به نوعی اجتهاد در برابر نص است.

ثانیاً، از آنجایی که پیامبر اکرم ﷺ در مقام بیان فضیلت برای فاطمه زهرا علیها السلام است، تشکیک ابن تیمیه در واقع نسبت دادن سخن لغو و بیهوده به رسول گرامی اسلام ﷺ است؛ چراکه مضمون سخنان ابن تیمیه این است که رضایت و غضب حضرت زهرا علیها السلام هیچ گونه تأثیری ندارد.

ثالثاً، این برداشت ابن تیمیه از آیه بیعت رضوان در آنجا که می‌گوید: «دیگر غضب هیچ کدام از مخلوقین، ولو هرکه باشد، به او ضرری نمی‌زند»، اثبات نوعی مصونیت برای بیعت‌کنندگان است. درحالی که این ادعا متوقف بر اثبات دو مطلب است: ۱. رضایت خداوند از بیعت‌کنندگان همیشگی باشد؛ ۲. رضایت خداوند از بیعت‌کنندگان شامل همه آنها باشد. که ابن تیمیه بدون اثبات آنها به تقابل به روایت پرداخته است.

مؤید حدیث «ان الله يغضب لغضبك و يرضى لرضاك»

این حدیث دارای مؤیداتی است که با توجه به آنها، مضمون و صدور حدیث مورد بحث، ثابت می‌شود:

۱. حدیث «فاطمه پاره تن من است، هرکس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده

است.»^۱

روشن است که با غضب رسول الله ﷺ، خداوند نیز غضبناک می‌گردد، همان طور که در صحیح بخاری خطاب به زنان پیامبر گفته شده است: «أَفْتَأَمْنِينَ أَنْ يَغْضَبَ اللَّهُ لِعَضْبِ رَسُولِهِ»؛^۲ «آیا در امانید از اینکه خداوند به خاطر غضب رسولش غضب نماید» و حتی خود ابن تیمیه اذیت رسول الله ﷺ را مساوی با اذیت خداوند می‌داند؛ زیرا حرمت خداوند و حرمت رسول ﷺ یکی است و ایشان، واسطه بین امت و خداوند هستند.^۳

۲. حدیث «همانا فاطمه پاره تن من است، آنچه او را آزار دهد، مرا می‌آزارد و آنچه او را

۱. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۳۶۱.

۲. «فاطمه بضعة مني فمن أغضبها أغضبني» (همان، ج ۵، ص ۱۹۹۲)

۳. «وان جهة حرمة الله ورسوله جهة واحدة فمن اذى الرسول فقد اذى الله...» (ابن تیمیه، احمد، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، ج ۲، ص ۸۷).

اندوهگین کند، مرا اندوهگین می‌نماید.»^۱

۳. حدیث «همانا فاطمه پارهٔ تن من است، آنچه او را برترساند، مرا ترسانده است و آنچه او را اذیت کند، مرا اذیت کرده است.»^۲ و اذیت رسول خدا ﷺ در روایات فراوان با اذیت خدای متعال یکسان شمرده شده است.^۳

لذا می‌توان گفت که این حدیث، در منقبت حضرت فاطمه علیها السلام صحیح است، همان‌طور که حاکم آن را صحیح می‌داند و هیثمی اذعان به حسن بودن اسناد آن می‌کند و طبرانی نیز پس از نقل سخن هیثمی اعتراضی نکرده است.

۲. حدیث «ان فاطمة احصنت فرجها فحرمها الله وذرتها على النار»

یکی دیگر از فضیلت‌های حضرت زهرا علیها السلام که ابن تیمیه آن را انکار کرده است، این حدیث شریف است: «همانا فاطمه علیها السلام دامن عصمت خویش را پاک نگه داشت و خداوند آتش جهنم را بر او و ذریه‌اش حرام کرد.»^۴

نگاه ابن تیمیه به حدیث

او می‌گوید:

و حدیثی که [علامه حلی] از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است به اتفاق حدیث‌شناسان دروغ است و دروغ بودنش، برای غیر اهل حدیث نیز روشن است. پس حدیث «همانا فاطمه دامن عصمت خویش را پاک نگه داشت و خداوند آتش جهنم را بر او و ذریه‌اش حرام کرد» اقتضا دارد که پاک نگه داشتن دامن عصمت، سبب تحریم آتش بر ذریه شده باشد و این قطعاً باطل است؛ زیرا ساره هم دامن خود را حفظ کرد و خداوند تمام ذریه‌اش را بر آتش حرام نکرد و نیز صفیه، عمه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله، جزو آن‌هاست که دامن خود را حفظ کرد و در ذریه او نیکوکار و

۱. «إنما فاطمة بضعةٌ مني يؤذيها ما آذاهَا وَيُؤْذِينِي مَا أُصْئِبُهَا» (ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۹۸)

۲. «... أن المسور بن مخرمة رضي الله عنه أخبره أنه سمع النبي [صلى الله عليه و آله] على المنبر وهو يقول إنما ابنتي بضعة مني يربيني ما أرابها ويؤذيها ما آذاهَا» (شيباني، احمد، الاحاد و المتاني، ج ۵، ص ۳۶۱)

۳. «من أحب علياً فقد أحبني ومن أبغض علياً فقد أبغضني ومن آذى علياً فقد آذاني ومن آذاني فقد آذى الله» (ابن عبد البر، يوسف، استيعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۱)

۴. «... إن فاطمة أحصنت فرجها فحرم الله ذريتها على النار هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه» (حاکم نیشابوری، محمد، مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۶۵)

ستمگر هر دو با هم وجود دارند و خلاصه، آن‌ها که دامن خود را حفظ کرده‌اند، کسی جز خداوند، آگاه بر تعدادشان نیست. فرزندانشان برخی نیکوکار و برخی فاجرند، پاره‌ای مؤمن و پاره‌ای کافرند و نیز فضیلت و امتیاز حفظ دامن، فقط برای فاطمه نیست، فاطمه در این امر با اکثر زنان مؤمن شریک است.^۱

پاسخ

ابن تیمیه ابتدا این حدیث را به اتفاق حدیث‌شناسان، کذب می‌خواند. در صورتی که این حدیث توسط محدثان بزرگ در کتب معتبر نقل شده است.

از اهل معرفت به حدیث که به نقل این حدیث مبادرت کرده‌اند می‌توان علما و حفاظ ذیل را نام برد:

بزار،^۲ ابن شاهین،^۳ حاکم نیشابوری،^۴ ابونعیم،^۵ خطیب بغدادی،^۶ طبرانی،^۷ ابن عساکر،^۸ محب‌الدین طبری،^۹ مزّی،^{۱۰} ابن حجر عسقلانی،^{۱۱} متقی هندی،^{۱۲} زمخشری،^{۱۳} سیوطی^{۱۴} و هیثمی^{۱۵}

برخی از علما، این حدیث شریف را صحیح دانسته‌اند.

۱. «والحدیث الذی ذکره عن النبی (صلی الله علیه وسلم) عن فاطمة هو کذب باتفاق أهل المعرفة بالحدیث...» (ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة، ج ۴، ص ۶۳).
۲. بزار، احمد، مسند البزار، ج ۵، ص ۲۲۳.
۳. ابن شاهین، عمر، فضائل فاطمة الزهراء، ج ۱، ص ۲۳.
۴. حاکم نیشابوری، محمد، مستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفة الصحابه، ج ۳، ص ۱۶۵، ح ۴۷۲۶.
۵. ابونعیم، عبدالله، حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۱۸۸.
۶. خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، ترجمه ۹۹۷، محمد بن علی الرضا حدیثه الاثنی عشر، ج ۲، ص ۵۴.
۷. طبرانی، محمد، المعجم الکبیر، باب مناقب فاطمه، ج ۲۲، ص ۴۰۶.
۸. ابن عساکر، علی، فیض القدر فی شرح جامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۲۳۰۹.
۹. محب طبری، احمد، ذخائر العقبی، ذکر تحریم ذریعتها علی النار، ج ۱، ص ۴۸.
۱۰. مزّی، یوسف، تهذیب الکمال، ترجمه ۷۸۹۹، فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه (و آله) و سلم، ج ۳۵، ص ۲۳۱.
۱۱. ابن حجر عسقلانی، احمد، المطالب العالیة، کتاب المناقب باب فضائل فاطمه الزهراء و ابنیهها، ج ۱۶، ص ۱۸۰، ح ۳۹۵۹.
۱۲. متقی هندی، علی، کنز العمال، باب فضائل اهل البيت، ج ۱۲، ص ۵۱.
۱۳. زمخشری، محمود، ربع الابرار، ج ۱، ص ۳۶۰.
۱۴. سیوطی در کتاب‌های فتح الکبیر، حدیث ۳۹۸۵، ج ۱، ص ۳۶۹ و جامع الاحادیث، ج ۲، ص ۳۶۵ و اللالی المصنوعه، باب مناقب اهل البيت، ج ۱، ص ۳۶۶، به نقل این حدیث پرداخته است.
۱۵. هیثمی، احمد، الصواعق المحرقة، باب احادیث الواردة فی اهل البيت، ج ۲، ص ۵۴۸، ح ۲۴.

جناب حاکم نیشابوری در مستدرک، پس از نقل حدیث به همراه سند آن می‌گوید:
 «این حدیث صحیح است، درحالی‌که بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند»^۱.

جناب علامه ابن‌یوسف صالحی شامی، مؤلف کتاب سبیل الهدی و الرشاد پس از نقل حدیث می‌آورد: «درست این است که این حدیث سندش نزدیک به حسن است و حکم به وضع آن نادرست است، همان‌طور که این مطلب را در کتاب الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه بسط داده‌ام»^۲.

برخی نیز می‌گویند که از انضمام نقل‌های فراوان، ولو دارای ضعف، این حدیث قوی می‌شود.^۳

همچنین علمایی مانند مزّی^۴ و خطیب بغدادی^۵ حدیث را نقل کرده‌اند و آن را تکذیب نکرده‌اند.

ابن شاهین نیز این فضیلت را به‌عنوان یکی ویژگی‌های اختصاصی حضرت زهرا علیها السلام نقل کرده است.^۶

البته امثال ذهبی، به دلیل وجود عمرو بن غیاث در روایان حدیث، اشکال سندی به این روایت گرفته‌اند.^۷ او در جایی دیگر علت ضعف عمرو بن غیاث را شیعی بودن می‌داند.^۸ ولی آیا تنها شیعی بودن موجب تضعیف راوی می‌شود؟ خطیب بغدادی از قول محمد بن

۱. «... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله يا فاطمة أيسرك أن يقول الناس فاطمة بنت محمد وفي يدك سلسلة من نار ثم خرج ولم يقعد فعمدت فاطمة إلى السلسلة فاشترت غلاما فأعتقته فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله فقال الحمد لله الذي نجى فاطمة من النار صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه» (حاکم نیشابوری، محمد، مستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۷).

۲. ابن‌یوسف صالحی، محمد، سبیل الهدی والرشاد، ج ۱۱، ص ۵۰.

۳. عاصمی مکی، عبدالملک، سمط النجوم العوالي، ج ۱، ص ۵۲۹.

۴. مزّی، یوسف، تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۲۳۱.

۵. خطیب بغدادی، محمد، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۰۶؛ ج ۳، ص ۴۱.

۶. «الفضیلة الثانية مما تقدرت به: ... قال رسول الله إن فاطمة حصنت فرجها فحرم الله ذريتها من النار» ابن‌شاهین، عمر، کتاب اللطیف، ج ۱، ص ۲۳۰.

۷. «هذا حدیث منکر بمره سمعه أبو کریب من معاوية فالأفة عمرو» (ذهبی، شمس‌الدین، میزان الاعتدال، ج ۵، ص ۲۳۵).

۸. «رواه الجماعة عن علي بن المثنى، عن معاوية، عمرو بن غياث، شيعي واه» (ذهبی، شمس‌الدین، تلخیص الموضوعات، ج ۱، ص ۱۵۰).

یعقوب، شاگرد مسلم نیشابوری، در جواب اینکه چرا از فضل بن محمد شعرانی، با اینکه در تشیع غالی است، روایت نقل کرده است، می‌نویسد: «کتاب استاذی ملاّن من حدیث الشیعة یعنی مسلم بن الحجاج»؛ «کتاب استاد من، مسلم، مملو از احادیث شیعه است.»^۱ بخاری و ابوحاتم او را منکر الحدیث دانسته‌اند، ولی همان‌طور که ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «اگر بنا باشد که هرکس، حدیث منکری نقل کرد، ما این شخص را تضعیف کنیم، هیچ کدام از محدثین سالم نخواهند ماند.»^۲ حتی خود ذهبی نیز در این باره آورده است: «هرکسی که احادیث منکر را نقل کند، ضعیف نیست.»^۳

لذا باید گفت که حدیث احسان حضرت زهراء علیها السلام، صحیح است، همان‌طور که حاکم نیشابوری پیش از ابن تیمیه به صحت آن اعتراف کرده است و حافظ مزّی و خطیب بغدادی آن را روایت کرده‌اند و ایرادی بر آن وارد نساخته‌اند.

مؤیدات حدیث

این حدیث نبوی شواهدی نیز دارد که بر درستی و صدور آن دلالت می‌کند. جناب مناوی پس از نقل حدیث مذکور و نقل ایرادات ابن جوزی و دیگران بر آن می‌گوید:

لکن این حدیث دارای شواهدی است، از جمله روایت بزار و همچنین سخن طبرانی که نقل کرده است: «همانا فاطمه دامن عصمت خویش را پاک نگه داشت و خداوند به خاطر این پاک‌دامنی، ایشان و ذریه‌اش را به بهشت داخل کرده است.»^۴

در جایی دیگر ایشان می‌گوید: «اسناد ضعیف این روایت با سند روایت بزار تقویت می‌شود و حسن می‌گردد.»^۵

۱. خطیب بغدادی، احمد، الکفایة فی علم الروایة، ج ۱، ص ۱۳۱.
۲. «فلو كان كل من روی شیئا منکرا استحق ان یذکر فی الضعفاء، لما سلم من المحدثین أحد» (عسقلانی، احمد، لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۰۷).
۳. «ما كل من روی المناکیر یضعف» (ذهبی، شمس‌الدین، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۵۹).
۴. «قال الحاکم صحیح وقال الذهبی لا بل ضعیف تفرد به معاویة وفیه ضعف عمرو بن غیاث وهو واه بمرّة. لکن له شواهد منها خبر البزار والطبرانی أيضا إن فاطمة حصنت فرجها وإن الله أدخلها بإحسان فرجها وذریتها الجنة» (مناوی، محمد، فیض القدر، ج ۲، ص ۴۶۳).
۵. «رواه الحاکم وأبو یعلی والطبرانی بإسناد ضعیف لکن عضده فی روایة البزار له بنحو. وبه صار حسنا» (مناوی، محمد، سیدة

همچنین خطیب بغدادی در ترجمهٔ «محمد بن علی بن موسی بن جعفر علیه السلام»، به این حدیث اشاره کرده است که بر شهرت این حدیث دلالت دارد و نشان می‌دهد صدور آن از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مفروغ عنه بوده است و راوی تنها از مصداق ذریه در این روایت، پرسش کرده است.^۱

جناب سیوطی نیز پس از نقل حدیث و اقوال پیرامون آن می‌گوید: «این حدیث شاهد نیز دارد» و در ادامه به نقل طبرانی اشاره کرده است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: «همانا خداوند متعال تو و فرزندان را عذاب نمی‌کند.»^۲

لذا کذب خواندن این حدیث توسط ابن تیمیه، آن هم به اتفاق اهل معرفت، عجیب و دور از واقعیت است.

اشکال ابن تیمیه در دلالت حدیث

ابن تیمیه بر دلالت حدیث مذکور نیز خدشه وارد کرده است، او در این رابطه می‌گوید:

«همانا فاطمه دامن عصمت خویش را پاک نگه داشت و خداوند آتش جهنم را بر او و ذریه او حرام گردانید؛ این گفته اقتضا دارد پاک نگه داشتن دامن عصمت، سبب تحریم آتش بر ذریه شده باشد و این قطعاً باطل است؛ زیرا ساره هم دامن خود را حفظ کرد و خداوند تمام ذریه‌اش را بر آتش حرام نکرد و نیز صفیه، عمهٔ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، جزو آن هاست که دامن خود را حفظ کرد و در ذریه او نیکوکار و ستمگر، هر دو با هم وجود دارند و خلاصه، آن‌ها که دامن خود را حفظ کرده‌اند، کسی جز خداوند تعدادشان را نمی‌داند. فرزندانشان برخی نیکوکار و برخی فاجرند، پاره‌ای مؤمن و پاره‌ای کافرند و نیز فضیلت و امتیاز حفظ دامن، فقط برای فاطمه نیست، فاطمه در این امر با اکثر زنان مؤمن شریک است.»^۳

نساء العالمین، ج ۱، ص ۳۴.

۱. «... قال كنت ببغداد فقال لي محمد بن منذر بن مهزبر هل لك ان ادخلك على بن الرضا قلت نعم قال فادخلني فسلمنا عليه وجلسنا فقال له حديث النبي صلى الله عليه وآله: ان فاطمة احصت فرجها فحرم الله ذريتها على النار قال خاص للحسن والحسين» (خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۵۴).

۲. «قال الطبرانی: حدثنا أحمد بن مابهرام الأيزجي حدثنا محمد بن مرزوق حدثنا إسماعيل بن موسى بن عثمان الأنصاري سمعت صفی بن ربعي يحدث عن عبد الرحمن بن الغسيل عن عكرمة عن ابن عباس قال قال رسول الله لفاطمة رضي الله عنها: إن الله تعالى غير معذبك ولا ولدك والله أعلم» (سیوطی، جلال‌الدین، الاکلیء المصنوعة، ج ۱، ص ۳۶۷).

۳. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة، ج ۴، ص ۶۲.

پاسخ

در جواب ایرادهای ابن تیمیه باید گفت که پس از اینکه صحت حدیثی برای ما ثابت شد، انکار آن به این سبب که با اعتقادات و علایق ما همخوانی ندارد، صحیح نیست. و در پاسخ او که با پاکدامن و عفیف بودن امثال حضرت ساره و آسیه، به تقض این فضیلت پرداخته است، می‌توان گفت که مترتب کردن این فضیلت بر احسان حضرت، برای نشان دادن اهمیت عفت و پاکدامنی است.^۱ چنان‌که علامه زرقانی مالکی نیز این مطلب را بیان کرده است. ایشان در نفی این ملازمه گفته‌اند:

حدیث را ابویعلی، طبرانی و حاکم نقل کرده‌اند و صحتش را به روایت ابن مسعود پذیرفته‌اند و شواهدی بر صدق آن وجود دارد و اینکه تحریم آتش مترتب بر پاکدامنی شده است، از باب اظهار امتیاز مقام او در این وصف است. در ضمن اشاره‌ای به مریم بنت عمران شده است و از حفظ عصمت دامن هم ستایش به عمل آمده است و گرنه ذریه فاطمه به نص روایات دیگر نیز بر آتش حرام‌اند.^۲

ثانیاً، مطابق روایات، این منقبت مربوط به فرزندان بلافضل حضرت است؛ فرزندان که تاریخ، گواه تحقق این وعده الهی و پاکی آنان است و به اعتقاد تمامی مسلمانان، فرزندان حضرت زهرا علیها السلام سرور جوانان بهشت‌اند.

ثالثاً، اوصاف نفسانی مانند عفت و پاکدامنی دارای مراتب بوده و احسان حضرت زهرا علیها السلام، به‌عنوان سرور زنان بهشت، از بالاترین مراتب آن است و با دیگران قابل مقایسه نیست. حضرت زهرا علیها السلام، محفوظ بودن زنان از نگاه مردان را، بهترین چیز برای زنان می‌دانستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله در تأیید این مطلب فرمودند: «همانا فاطمه پاره تن من است».^۳ از مناقب ایشان در روز قیامت این است که هنگام عبور ایشان مردم مأمور به بستن چشم‌ها می‌شوند.^۴ لذا با توجه

۱. رک: مقریزی، احمد، امتاع الاسماع، ج ۱۰، ص ۲۸۳.

۲. «ترتیب التحريم على الإحسان، من باب اظهار مزية شأنها في ذلك الوصف...» (زرقانی، محمد، شرح الزرقانی علی المواهب، ج ۴، ص ۳۳۲).

۳. «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لأصحابه: "أي شيء خير للنساء؟" فلم يدروا ما يقولون، فرجع علي رضي الله عنه إلى فاطمة بنت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فأخبرها بمقالة النبي عليه السلام...» (ابن سلام، ابو عبید القاسم، الامثال، ج ۱، ص ۱۸).

۴. «... عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال إذا كان يوم القيامة قيل يا أهل الجمع غضوا أبصاركم حتى تمر فاطمة بنت رسول

به مراتب بالای عفت و حیای ایشان، تقریب مذکور در روایت صحیح است.

حدیث «انّ فاطمة بضعة منّی من آذاها فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله»
حدیث دیگری که علامه حلی آورده است و ابن تیمیه در برابر آن موضع گرفته است، این حدیث است: «انّ فاطمة بضعة منّی من آذاها فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله»؛^۱ «همانا فاطمه پاره تن من است، پس هرکه او را اذیت کند مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد پس خداوند را آزرده است.»

رویکرد ابن تیمیه به حدیث

ابن تیمیه درباره این حدیث این گونه می آورد:

این حدیث به این لفظ روایت نشده است، بلکه به غیر این لفظ روایت شده است، کماینکه در قضیه خواستگاری علی [علیه السلام] از دختر ابوجهل است، زمانی که رسول خدا ﷺ برای خطبه ایستادند و فرمودند: «همانا بنی هشام! این مغیره از من اذن خواسته اند تا دخترشان را به ازدواج علی بن ابی طالب در آورند و همانا من اجازه نمی دهم، اجازه نمی دهم، اجازه نمی دهم، همانا فاطمه پاره تن من است... آنچه او را آزار دهد، مرا آزار می هد، مگر اینکه پسر ابی طالب بخواهد دختر مرا طلاق دهد و با دختر آنها ازدواج کند...»^۲

وی در ادامه در توجیه این حدیث می نویسد:

گفته شده است، اینکه اذیت فاطمه ﷺ، بزرگ شمرده شده است، به این دلیل است که موجب اذیت رسول خدا ﷺ می شود. پس زمانی که امر دایر بین ایذاء رسول خدا ﷺ و فرزند ایشان، حضرت زهرا ﷺ باشد، اجتناب از اذیت رسول الله ﷺ واجب است.^۳

الله فتمر وعليها ربطان خضراوان» (ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۷۶۳).

۱. «حدثنا عبد الله قال حدثني أبي نا يزيد قال أنا إسماعيل عن أبي حنظلة أنه أخبره رجل من أهل مكة أن عليا خطب ابنة أبي جهل فقال له أهلها لا تزوجك علي ابنة رسول الله فبلغ ذلك رسول الله صلى الله عليه و آله فقال إنما فاطمة بضعة مني فمن آذاها فقد آذني» (همان، ص ۷۵۵).

۲. «فإن هذا الحديث لم يرو بهذا اللفظ بل روى بغيره كما روى في سياق حديث خطبه علي لابنه أبي جهل لما قام النبي صل عليه و آله خطيبا فقال إن بني هشام بن المغيرة استأذوني أن ينكحوا ابنتهم علي بن أبي طالب وإني لا اذن ثم لا اذن ثم لا اذن إنما فاطمة بضعة مني يربيني ما رابها ويؤذيها ما آذاها...» (ابن تیمیه، احمد، منهاج السنّة، ج ۴، ص ۲۵۰).

۳. همان، ص ۲۵۳.

ابن تیمیه جسارت را به آنجا می‌رساند که به حضرت زهرا علیها السلام نسبت خطا می‌دهد و برای اثبات حرف خویش می‌آورد:

هر عاقلی می‌داند که زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به چیزی حکم کند و فاطمه یا غیر فاطمه چیزی مخالف آن حکم، طلب کند، مراعات کردن حکم رسول الله صلی الله علیه و آله، اولی است. پس همانا اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله واجب و نافرمانی ایشان حرام است و کسی که به خاطر اطاعت آن حضرت اذیت شود، در این اذیت شدنش به خطا رفته است.^۱

بررسی و نقد

ابن تیمیه مدعی است حدیث با الفاظی که علامه حلی بیان کرده است، نقل نشده است، این در حالی است که اگرچه اکثر روایات اهل سنت عیناً با حدیث علامه حلی مطابقت ندارد، ولی در متون حدیثی امامیه این روایت ثابت است.^۲ در بین عامه نیز از جمله کسانی که عیناً این روایت را ذکر کرده‌اند، می‌توان ابن ابی‌الحدید معتزلی را نام برد.^۳

البته فراز نخست حدیث در کتب معتبره درباره حضرت زهرا علیها السلام آمده است.^۴ اثبات فراز دوم نیز کار دشواری نیست چراکه هم علمای شیعه و هم امثال ابن ابی‌الحدید آن را آورده‌اند و مثل این حدیث برای کفو و هم‌شان حضرت زهرا علیها السلام، یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است.^۵

استدلال ابن تیمیه برای نفی این فضیلت مبتنی بر داستان خواستگاری امیرالمؤمنین علیه السلام از دختر ابوجهل است.^۶ داستانی که از اساس ساختگی است.

دلایل ساختگی بودن این قصه

اولاً، با دقت در این روایت و سنجش آن با معیارهای قرآنی، غیرواقعی بودن آن نمایان

۱. «و كل عاقل يعلم أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) إذا حكم بحكم وطلبت فاطمة أو غيرها ما يخالف ذلك الحكم كان مراعاة حكم النبي صلى الله عليه وآله، أولى...» (همان).

۲. صدوق، محمد، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۶، ص ۱۶۲.

۴. حاکم نیشابوری، محمد، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۳.

۵. «من أذى علياً فقد أذى من أذاني ومن أذاني فقد أذى الله» (ابن عبدالبر، يوسف، استيعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۱).

۶. سورة نساء، آیه ۳.

می‌گردد.^۱ خداوند می‌فرماید: ﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا...﴾؛

«هرچه از زنان که دوست دارید، دو یا سه یا چهار همسر به زنی بگیرید.»

با توجه به صراحت آیه در تعدد زوجات، روایاتی که با نصّ قرآن تنافی داشته باشند مردوداند و امکان ندارد پیام‌آور الهی فرمانی برخلاف پیام خود بدهد. ابن حجر عسقلانی که متوجه تنافی مذکور است در توجیه آن می‌گوید: «بعید نیست که این حکم از ویژگی‌های پیامبر باشد که کسی برای دخترانش هوو نیاورد و احتمال دارد این ویژگی مخصوص فاطمه باشد.»^۲ اما سؤال این است که چگونه ممکن است این حکم از امیرالمؤمنین مخفی باشد؟

وقتی تضاد روایتی با آیات قرآن ثابت شد، وظیفه روشن است؛ زیرا از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «به‌زودی بر من حدیث دروغین می‌بندند، پس آنچه از سخنان من به شما رسید و موافق قرآن بود از من است و آنچه مخالف قرآن است، از من نیست.»^۳ ثانیاً، این روایت در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام ﷺ، تنها از طریق مسور بن مخرمه نقل شده است. دشمنی مسور با اهل بیت ﷺ را می‌توان از دوستی او با خوارج به دست آورد. ذهبی درباره‌ او می‌گوید: «زبیر بن بکار گفت: "خوارج او را تحویل می‌گرفتند و از خودشان می‌دانستند."»^۴

۱. «والذي يظهر لي أنه لا يبعد أن بعد في خصائص النبي صلى الله عليه وآله أن لا يتزوج على بناته...» (عسقلانی، شهاب‌الدین، فتح الباری، ج ۹، ص ۳۲۹؛ «... إن الحديث سَيُفْشَى عَنِّي فَمَا أَنَا كُمْ عَنِّي يُؤَافِقُ الْقُرْآنَ فَهُوَ عَنِّي وَمَا أَنَا كُمْ عَنِّي يُخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَيْسَ عَنِّي» (انصاری، الرد على سير الأوزاعي، ج ۱، ص ۲۵؛ شافعی، الام، ج ۷، ص ۳۳۹؛ ذهبی، شمس‌الدین، سير اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۵۱؛ «قال عروة بن الزبير فلم أسمع المسور ذكر معاوية إلا صلى عليه» (همان، ج ۳، ص ۱۵۱)؛ «كان من أعظم ما أنكر على عبد الله بن الزبير تركه ذكر رسول الله صل الله عليه وآله في خطبته، وقوله حين كلم في ذلك: إن له أهيل سوء إذا ذكر استطالوا ومدوا أعناقهم لذكره» بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۱۸؛ عسقلانی، شهاب‌الدین، تهذيب التهذيب، ج ۱۰، ص ۱۳۷)؛ «عن المشور بن مخزومة قال أَقْبَلْتُ بِحَجْرٍ أَحْمَلُهُ نُقَيْيلٍ وَعَلَىٰ إِزَارٍ خَفِيفٍ...» (نیشابوری، مسلم، صحيح مسلم، باب الاعتناء بحفظ العورة، ج ۱، ص ۲۶۸).

۲. «والذي يظهر لي أنه لا يبعد أن يعد في خصائص النبي صلى الله عليه وآله أن لا يتزوج على بناته...» (عسقلانی، احمد، فتح الباری، ج ۹، ص ۳۲۹).

۳. «أبي كريمة عن أبي جعفر عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه دعا اليهود فسألهم فحدّثوه حتى كذبوا...» (انصاری، الرد على سير الأوزاعي، ج ۱، ص ۲۵؛ شافعی، الام، ج ۷، ص ۳۳۹).

۴. «قال الزبير بن بكار كانت (الخوارج) تغشاه وينتحلونه» (ذهبی، شمس‌الدین، سير اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۵۱).

او در جایی دیگر دربارهٔ علاقهٔ او به معاویه می‌گوید: «عروة بن زبیر می‌گوید: "من نشنیدم مسور نام معاویه را ببرد، مگر اینکه بر او درود می‌فرستاد."^۱ آیا سخن این فرد در رابطه با امیرالمؤمنین علیه السلام پذیرفتنی است؟ ثالثاً، سن ایشان با نقل این روایت هم‌خوانی ندارد. او در مکه و در سال دوم بعد از هجرت متولد شده است و زمان وقوع این داستان ساختگی را سال هشتم هجری نقل کرده‌اند و او در آن زمان شش سال بیشتر نداشته است و جالب اینکه ادعا کرده است که در آن زمان محتلم بوده است.

ابن حجر عسقلانی متوجه این اشکال شده است و به‌جای ردّ حدیث، در توجیه آن می‌نویسد: «احتمال دارد مقصود از محتلم شدن معنای لغوی آن، یعنی عقل باشد.»^۲ اما بر فرض پذیرش معنای لغوی باید گفت که معنای لغوی آن نیز مشکل را حل نمی‌کند؛ چراکه طبق روایت مسلم، مسور بن مخرمه، در زمان حضور در مدینه، حتی از درک مسائل ابتدایی عاجز بوده است و وجوب پوشاندن عورت از مردم و حتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نمی‌دانسته است و از برهنه راه رفتن در میان مردم باکی نداشته است.^۳ رابعاً، جالب است که قضیه‌ای که در مسجد و در منظر و مرآی مردم اتفاق افتاده است را تنها این کودک شش ساله شنیده و نقل کرده است و ابن تیمیه با تمام این نقاط ابهام، آن را ارسال مسلمات دانسته است و بر امیرالمؤمنین علیه السلام، خُرده گرفته است. با اثبات اینکه این داستان را دشمنان اهل بیت علیهم السلام ساخته‌اند و با توجه به مطلق بودن سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فضیلت بزرگی برای حضرت فاطمه علیها السلام ثابت می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ابن تیمیه در منهاج السنّة به نقد سه حدیث دربارهٔ فضیلت حضرت زهرا علیها السلام، پرداخته است:

۱. «قال عروة بن الزبير فلم أسمع المسور ذكر معاوية إلا صلى عليه» (همان).
۲. عسقلانی، شهاب‌الدین احمد، تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۱۳۷.
۳. «عن المسور بن مخرمة قال أقبلت بحجرٍ أحملةٍ ثقيلٍ وعلَيَّ إِرَازٌ خفيفٌ...» (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، باب الاعتناء بحفظ العورة، ج ۱، ص ۲۶۸).

۱. «انّ الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»؛

۲. «انّ فاطمة احصنت فرجها فحرمها الله وذريتها على النار»؛

۳. «انّ فاطمة بضعة منّي من آذاها فقد آذاني ومن آذاني فقد آذى الله».

دیدگاه‌های ابن تیمیه راجع به این سه حدیث نبوی به طور خلاصه عبارت است از: تکذیب و دروغ خواندن حدیث اول و دوم؛ عدم وجود آن‌ها در کتب معروف و اشکالات دلالی و نقض‌های همراه با مغالطه.

برخی علمای فریقین به اظهارنظرهای او معترض شده‌اند و در این نوشته با بیان منابع فراوان مورد قبول اهل سنت و توثیقات و تأییدات عالمان حدیث‌شناس، بی‌اساس بودن دیدگاه‌های ابن تیمیه نمایان شد.

حدیث نخست، برخلاف مدعای ابن تیمیه، نه تنها در کتب معروف حدیثی ذکر شده است، بلکه برخی از حفاظ به صحت آن اعتراف کرده‌اند و مؤیداتی نیز دارد.

حدیث دوم که ابن تیمیه به سند و دلالت آن خدشه وارد کرده است، توسط بزرگانی از اهل سنت تصحیح شده است و برخی با توجه به نقل‌های فراوان آن را تقویت کرده‌اند و بسیاری از علمای حدیث‌شناس پس از نقل حدیث، آن را تکذیب نکرده‌اند. عده‌ای نیز، همچون مناوی و سیوطی، به مؤیدات و شواهد آن اشاره کرده‌اند.

ابن تیمیه اصل حدیث سوم را قبول دارد؛ ولی آن را به داستان ساختگی خواستگاری امیرالمؤمنین علیه السلام گره زده است که با چهار دلیل بی‌پایه بودن آن اثبات شد.

منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن ابي الحديد، عز الدين بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقيق: محمد عبدالكريم نمرى، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٣. ابن اثير، على بن محمد، اسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٤. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، الصارم المسلول على شاتم الرسول، تحقيق: محمد عبدالله عمر حلوانى ومحمد كبير احمد شودرى، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٥. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم عاصمى، مكتبة ابن تيمية، چاپ دوم، بی تا.
٦. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، منهج السنة النبوية، تحقيق: محمد رشاد سالم، رياض: مؤسسة قرطبة، ١٤٠٦ق.
٧. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، تهذيب التهذيب، تحقيق: محمد عوامة، سوريه: دار الرشيد، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٨. ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة، تحقيق: وصى الله محمد عباس احمد، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
٩. ابن سلاّم، قاسم، الأمثال، بی جا: دار النشر، بی تا.
١٠. ابن شاهين، عمر، فضائل سيده النساء، قاهره: مكتبة التربية الاسلامية، چاپ اول، ١٤١١ق.
١١. ابن شاهين، احمد، اللطيف لشرح مذاهب أهل السنة، تحقيق: عبدالله بن محمد بصيرى، مدينه: مكتبة الغرباء الأثرية، چاپ اول، ١٤١٦ق.
١٢. ابن صباغ مالكى، على، الفصول المهمة، بيروت: مؤسسه الاعلمى، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
١٣. ابن عبدالبر، يوسف، استيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت: دار الجيل، چاپ اول، ١٤١٢ق.
١٤. ابن عدى، عبدالله، الكامل، تحقيق: يحيى مختار غزاوى، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ سوم، ١٤٠٩ق.
١٥. ابن عساکر، ابوالقاسم على، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: محب الدين عمرى، بيروت: دار الفكر، ١٩٩٥م.
١٦. ابونعيم اصفهانى، عبدالله، معرفة الصحابه، تحقيق: عادل بن يوسف عزازى، رياض: دار الوطن للنشر، چاپ اول، ١٤١٩ق.
١٧. اصفهانى، ابونعيم، حلية الاولياء، قاهره: دار ام القرى للطباعة والنشر، بی تا.

۱۸. باغبان زاده، محمدرضا، «تحلیل رویکرد ابن تیمیه در تضعیف جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در منهاج السنه»، مجله تحقیقات کلامی، ش ۳۵، زمستان ۱۴۰۰.
۱۹. بخاری، محمد، **الجامع الصحیح المختصر**، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. بزار، احمد، **مسند البزار**، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، مدینه منوره: مکتبه العلوم والحکم، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۲۱. بلاذری، احمد، **أنساب الأشراف**، بی جا: دار النشر، بی تا.
۲۲. ترمذی، محمد، **سنن ترمذی**، تحقیق و تعلیق: احمد محمد شاکر، مصر: شركة مکتبه و مطبعة مصطفی البابي الحلبي، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۲۳. حاکم نیشابوری، محمد، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۴. خطیب بغدادی، احمد، **تاریخ بغداد**، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۵. خطیب بغدادی، ابوبکر، **الکفایة فی علم الروایة**، تحقیق: ابوعبدالله سورقی و ابراهیم حمدی مدنی، مدینه: المکتبه العلمیه، بی تا.
۲۶. دولابی، محمد بن احمد، **الذریة الطاهرة النبویة**، کویت: دار السلفیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۷. ذهبی، شمس الدین، **تلخیص الموضوعات**، تحقیق: ابوتمیم یاسر بن ابراهیم بن محمد، ریاض: مکتبه الرشد، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۸. ذهبی، شمس الدین، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۵م.
۲۹. زرقانی، محمد بن عبدالباقی، **شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک**، اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۰. زمخشری، محمود، **ربع الابرار و نصوص الأخبار**، تحقیق: عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
۳۱. السید صبیح، محمود، **اخطاء ابن تیمیه**، بیروت: دار زین العابدین، ۱۴۳۱ق.
۳۲. سیوطی، جلال الدین، **احیاء فضائل اهل البیت**، تحقیق: محمد زینهم محمد عزب، قاهره: دار المعارف، بی تا.
۳۳. سیوطی، جلال الدین، **الآلایء المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة**، تحقیق: ابوعبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویضه، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳۴. شوکانی، محمد، **فتح القدير**، بیروت: دار الفکر، بی تا.

٣٥. شيبانى، احمد بن عمرو، **الاحاد والمثاني**، تحقيق: باسم فيصل احمد، رياض: دار الراهبة، چاپ اول، ١٤١١ق.
٣٦. صالحى شامى، محمد، **سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد**، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٣٧. صدوق، محمد، **علل الشرايع**، قم: انتشارات كتابفروشى داورى، بى تا.
٣٨. طبرانى، سليمان، **معجم الكبير**، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد سلفى، موصل: مكتبة الزهراء، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٣٩. طبرى، احمد، **ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى**، قم: دارالكتاب الاسلامى، چاپ اول، ١٤٢٨ق.
٤٠. عاصمى مكى، عبدالملك، **سمط النجوم العوالي**، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.
٤١. عسقلانى، ابن حجر، **لسان الميزان**، تحقيق: دائرة المعارف النظامية، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ سوم، ١٤٠٦ق.
٤٢. عسقلانى، احمد، **إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة**، تحقيق: زهير بن ناصر الناصر، عربستان: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٤٣. عسقلانى، على، **الإصابة في تمييز الصحابة**، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت: دار الجيل، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٤٤. متقى هندى، على، **كنز العمال**، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٤٥. مزى، يوسف، **تهذيب الكمال**، تحقيق: بشار عواد، بيروت: الرسالة، چاپ اول، ١٤٠٠ق.
٤٦. مقرئزى، احمد، **امتناع الاسماع**، تحقيق: محمد عبدالحميد نميسى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
٤٧. مناوى، محمد، **سيدة نساء أهل الجنة فاطمة الزهراء**، تحقيق: على احمد عبد العال طهطاوى، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٤٨. مناوى، محمد، **فيض القدير شرح جامع الصغير**، تحقيق: احمد عبد السلام، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٤٩. موصلى، ابويعلی، **مسند ابويعلی**، تحقيق: خليل بن مامون، بيروت: دار المعرفة، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٥٠. ميلانى، سيد على، **دراسات في منهج السنة لمعرفة ابن تيمية**، قم: مركز الحقائق الاسلامية، چاپ دوم، ١٤٢٦ق.

۵۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۵۲. هیثمی، ابن حجر، **الصواعق المحرقة**، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۵۳. هیثمی، علی، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، قاهره: دار الریان للتراث/ بیروت: دار الکتب العربي، ۱۴۰۷ق.